

میدون و سوفیا

چه کسی قسر در رفت؟



یوریا عالمی

■ سلام سوفیا، عشقم.

■ سلام میدون دوم. دیروز یک نماینده مجلس به یکی از دختران اصفهانی که قربانی اسیدپاشی شده‌اند، گفته: «شانس آوردی و قسر در رفتی که نصف صورتت سالم است». راستش من و ۶۰ درصد از دختران ایرانی که قسر در رفتیم و هنوز کسی رویمان اسید نباشیده، می‌خواستیم برویم سراخ این نماینده مجلس که قسر در رفته و برایش گل و شیرینی ببریم و ازش تشکر کنیم... ■ آفرین. من توی شهرداری اصفهان آشنا دارم... الان یک زنگ می‌زنم بهشون... چرا نباید مجسمه این نماینده را به‌عنوان مجسمه قسر بسازیم و نصب کنیم وسط نقش جهان که حساب کار بیاد دست همه اسیدپاش‌ها؟

اصلا چطور است مسابقات جهانی قسر راه بیندازیم و به هر کسی که بهتر قسر در رفت و اسید زنده‌اش گذاشت، یک فرصت دیگه بدهیم که با اسیدپاش‌هاش رودرو شود؟

■ آفرین. با چطور است جای جایزه نوبل ما جایزه قسر بدهیم. هر زنی که آسیب‌های اجتماعی و زندگی بیشتر پامالش کرد و داشت جانش درمی‌آمد برنده جایزه قسر خواهد بود. البته این جایزه با حضور این نماینده مجلس و تنی چند از دیگه مسئولان برگزار خواهد شد.

چه ایده‌های نابی. کاش تا این نماینده‌های طرفدار حقوق زنان در مجلس هستند، یک قانونی تصویب کنند که اسیدپاش‌ها بیمه شوند و حداقل بیمه پول اسیدی را که روی زن‌ها می‌پاشند بدهد. تا کی باید اسیدپاش ما زیر بار هزینه‌ها کمر خرد کند؟

■ یک ایده هم این است که مجلس تصویب کند واردات اسید معافیت مالیاتی و گمرکی دارد. بعد هم اعلام کند که به‌جای کار آفرین برتر از امسال به اسیدپاش برتر تسهیلات می‌دهند.

وای‌وای... واقعا با این طرز تفکر نماینده‌های خدوم، آیا نباید مجلس یک فراکسیون اسیدپاشی یا فراکسیون حمایت از اسیدپاشان داشته باشد که حق و حقوق این عزیزان ضایع نشود؟

■ من هم موافقم. من که می‌گویم تا همه نگاه ضدن دارند بهتر است یک وزارتخانه اسید و مسید هم راه بیندازیم. واقعا حیف نیست که سازوکار اسیدپاشی همین‌طوری روی هوا باشد؟

این وسط هم باید رسانه‌ها تلاش کنند معنای طراح لباس، طراح رقص، رقصنده، فعال محیط زیست، فعال اجتماعی، روزنامه‌نگار، مستندساز یا دبستانی‌های طرفدار... را از اسیدپاشی جدا کنند. چه معنی دارد که وقتی می‌گویم با کودکانی که با ترانه فلان خواننده برپیر کردند برخورد شده است یا طراح‌های مانتو در اینستارگام را دستگیر کردیم، سریع مردم بگویند پس اسیدپاش‌های اصفهان چی؟ واقعا رسانه‌ها مسئول هستند.

■ من هم موافقم. یا مردم ناسپاس ما می‌گویند چرا مثلاً تلویزیون اعترافات یک دختر کم‌سن را که توی اینستارگام می‌رقصیده پخش کرده، اما جمعیت اختلاس‌گر، بوده‌خوار، رانت‌خوار، دزد، دکل نفتی‌خوار، شکرخوار، حق کارگران‌خوار، خصولتی‌خوار، املاک نجومی‌خوار، زمین‌خوار، جنگل‌خوار و... دستگیر نمی‌شوند؟ واقعا مشکل امروز ما این چیزهاست؟

بعد اینها می‌گویند نماینده زحمتکش مجلس حرف بدی زده که فکر می‌کند و می‌گوید «قربانی اسیدپاشی قسر در رفته که نصف صورتش سالم است». مردم ناسپاس ما می‌گویند ایمن بعضی از مسئولان هستند که قسر در رفته‌اند و پاسخ‌گو نیستند و هی فریعت می‌شوند.

■ حالا چکار کنیم؟

من که از حجم بالای این‌همه خوشبختی دارم می‌پکم، اگر تو کار ناداری من بروم در افق کم بشوم و تمام شوم و این‌همه خوشی را نبینم.

■ باشه برو. ایشالا قسر در نروی و دل این نماینده مجلس را شاد کنی.

پیشخوان

بندرودریای سوگوار

● شماره ۱۷ و ۱۸ دوره جدید ماهنامه «بندر و دریا» منتشر شد. در شماره فروردین و اردیبهشت ۱۳۹۸ این ماهنامه دریاوردی بخش ویژه‌ای به یادواره دکتر احمد اقتداری، پدر خلیج‌فارس‌شناسی اختصاص دارد و به این مناسبت تصویری از چهره این پژوهشگر و نینش «دریای سوگوار» به جلد این شماره دیده می‌شود. در بخش پرزنده، بحث سیل‌های ویرانگر فروردین‌ماه امسال مطرح شده و از جمله «خطرات و خطرات سیل ۱۳۹۸»، «آق‌قلا؛ جلشنین سیل» و «چرا از سیلاب‌های دهه ۸۰ عبرت نگرفتیم» در این بخش آمده است. بخش رویداد نیز به موضوع‌هایی مانند «نیش تحریم‌ها»، «گردشگری دریایی-نوروز ۱۳۹۸» به روایت آمار و «بندر روتردام، دروازه‌ای جهانی در قلب اروپا» برمی‌خوریم. بندر و دریا که سازمان بنادر و دریاوردی صاحب‌امتیاز و محمد ولی‌زاده، مدیرمسئول و سردبیر آن است، در ۷۵ صفحه و به قیمت ۲۵ هزار تومان در دسترس علاقه‌مندان قرار دارد.

روزنامه شتر

www.sharghdaily.ir

سه‌شنبه ۳۱ اردیبهشت ۱۳۹۸ • ۱۵ رمضان ۱۴۴۰ • ۲۱ می ۲۰۱۹ • سال شانزدهم • شماره ۳۴۳۳ • ۱۶ صفحه • اذان ظهر تهران ۱۳:۰۱ • اذان مغرب ۲۰:۲۷ • اذان صبح فردا ۴:۱۴ • طلوع آفتاب ۵:۵۵

روزنفرها

کارتون خواب

آتجل بولیگان



خطرات یک روزنامه‌نگار - ۴

رعایت نکات ایمنی در پرتاب موشک

موضوع پرتاب موشک‌های مدل در بین اعضای کانون جدی شده بود. به این خاطر یک «استورالعمل» چندماده‌ای در مورد «رعایت نکات ایمنی در پرتاب موشک‌های مدل»، تهیه و در مجله چاپ شد تا علاقه‌مندان در صورت تمایل به پرتاب موشک‌های مدل، آنها را رعایت کنند. از مدت‌ها پیش هم صفحاتی از وسط مجله به مطالب مربوط به کانون اختصاص یافته بود. خاطرم هست که مطالب ادامه‌داری موشک‌های مدل نیز تهیه می‌شد و در این قسمت به چاپ می‌رسید.

خرید تلسکوپ توسط خود من نیز در راستای این برنامه‌ها صورت گرفت. این تلسکوپ که به صورتی کاملاً اتفاقی پیدا شد، شاید تنها تلسکوپ فروشی در تنها فروشگاه در تهران و شاید کشور در زمان خود بود. من قبلأ تمامی مکان‌های ممکن برای یافتن تلسکوپ در تهران را گشته بودم، ولی پیدا نکرده بودم. به این خاطر از طریق مجلات علمی خارجی در دسترس، در تدارک سفارش تلسکوپی از خارج بودم که به صورت اتفاقی در ابتدای خیابان لاله‌زار از میدان توپخانه («سپه» قدیم و «امام خمینی» فعلی) در ویتترین شرکتی (که به کارهای برقی می‌پرداخت)، تلسکوپی را دیدم! ظاهر آن را پدر یکی از مدیران شرکت برای فرزند خود از ژاپن آورده بود، ولی به دلایلی آن را برای فروش در پشت ویتترین شرکت گذاشته بود که برنامه تهیه و در مجله چاپ شد.



نمودار ای بران تهیه و منتشر می‌گردد.

پشت تاریخ

اندیشه‌هایی که در جغرافیا نمی‌گنجد

کم‌شمار که می‌توانیم کمابیش با استواری آنها را سروده‌ی خیام بدانیم، هم در چارانه‌های خیامی پرسش‌ها یا پرسمان‌های بزرگ و همواره‌ی آدمی زمینه‌ی اندیشه‌ای و پیام‌شناختی است. در این چارانه‌ها سخن از چیستی آدمی است. خیام می‌کوشد که به این پرسش‌های بنیادین که ذهن و اندیشه هر انسان خردمند و روشن‌رایی را به خود در می‌کشد، پاسخ بدهد که انسان به‌راستی چیست؛ چرا به جهان آمده است؛ در جهان چه می‌بایدشد کرد؛ فرجام و سرنوشت او چیست؛ آیا این سرنوشت و فرجام، مرگ و نابودی است؛ اگر چنین است پس راز زیستن او در جهانی که اندک‌زمانی در آن می‌ماند، چیست؟ این پرسش‌ها، پرسش‌هایی است که خرد فراگیر انسانی را آماج می‌گیرد. سخن من در پرسش است. بی‌گمان اگر اندیشه‌ورز و خردمند ایرانی به این پرسش‌ها پاسخ بدهد، پاسخ‌ها به‌ناچار رنگ و ریختی ایرانی خواهد داشت، زیرا برآمده از فرهنگ و تاریخ و پیشینه‌ی



ایرانی است. آنچه من از این سخن می‌خواهم، پاسخ نیست؛ پرسش است. خیام اندیشمندی است که ساختار اندیشندگی او بر پرسش بنیاد گرفته است. ذهن خیام، ذهنی است پویا، نازام، همواره در کار که هیچ پاسخی، به هر پایه زرف و بنیادین و پایه‌ور، در این ذهن، نمی‌تواند پاسخ فرجامین باشد. این پاسخ‌های نغز سنجیده‌ی اندیشیده، بستر و خاستگاهی می‌توانند شد پاسخی دیگر را که می‌باید اندیشیده‌تر و نغزتر و سنجیده‌تر باشد. هیچ پاسخی بدان‌سان به‌یکبارگی سنجیده و اندیشیده نیست که بتواند پاسخ فرجامین شمرده بشود و ذهن همواره در تب و تاب خیام را خوشنود بدارد؛ به سخنی دیگر، زنجیره‌ی پرسش‌ها و پاسخ‌ها هرگز پایان نمی‌گیرد. هیچ پرستی در ذهن و اندیشه‌ی خیام به باور نمی‌رسد. باور، اندیشه‌ای است که از پویه، از جویه بازمانده است. پرسنده را چنان خوشنود گردانیده است که به آنچه در واپسین پاسخ به‌دست آورده است، بسنده می‌تواند کرد. آنچه از خیام فرزانه‌ای پرشگر می‌سازد، آن است که او هرگز به این پاسخ فرجامین نمی‌رسد. از همین‌رو است که سرشت و ساختار اندیشه‌ی این دانشور و اندیشمند و شمارگان ایرانی به گونه‌ای است که هرکس در هر جای جهان که به این زمینه‌ها بیندیشد و در آنها به پرسش‌هایی می‌رسد، با اندیشه‌ی پرشگرانه خیام همراز و هماهنگ می‌تواند بود.

این متن در پاسخ به این سؤال ما نگاشته شده است که چرا حکیم خیام مورد علاقه غریب‌ایران نیز هست.

آکادمی

فرهنگ‌سازی مطلوب برای اهدای عضو



رضا سعیدی فیروزآبادی
جراح پیوند

۳۱ اردیبهشت‌ماه، روز ملی اهدای عضو نام‌گذاری شده است. ۳۰ سال قبل، در چنین روزی دکتر ایرج فاضل توانست از امام را احل اجازه پیوند از اعضای مرگ مغزی را دریافت کند.

شیوع بیماری‌های مزمن در کشور ما در حال افزایش است و به این ترتیب، نیاز به پیوند عضو نیز سیری صعودی پیدا کرده است. در حال حاضر ۲۶ هزار بیمار نیازمند پیوند در فهرست انتظار وجود دارند که می‌توان از اعضای بدن افرادی که دچار مرگ مغزی شده‌اند، برای این منظور استفاده کرد. در کشور ما استفاده از کلیه‌دهنده زنده سال‌هاست که انجام می‌شود، اما کاربرد آن عمدتاً در زمینه کلیه است و در اعضای دیگر کاربرد کمتری دارد و برای نجات جان افرادی که به پیوند قلب، ریه یا کبد نیاز دارند، لازم است از اعضای افراد دچار مرگ مغزی استفاده کنیم.

همچنان که گفته شد، با توجه به شیوع بیماری‌های مزمن مثل فشار خون، دیابت و بیماری‌های قلبی-ریوی در کشور و افزایش نیاز به پیوند عضو، لازم است فرهنگ‌سازی‌های لازم در زمینه پیوند اعضا انجام شود تا به‌تدریج افراد با مفهوم مرگ مغزی آشنا شوند. گفتنی است مرگ مغزی حالتی از مرگ است که از نظر پزشکی و قانونی تأیید شده است، حتی از نظر دینی نیز بسیاری از علما آن را تأیید کرده‌اند. در مرگ مغزی، مغز بیمار هیچ کارکردی ندارد، بیمار هیچ‌گونه درکی از محرک‌های محیطی نداشته و نمی‌تواند به محرک‌های محیطی پاسخ دهد. تحرک و تنفس خودبه‌خودی نداشته و هیچ واکنش رفلکسی نیز از خود نشان نمی‌دهد و معمولاً باید دو پزشک این وضعیت را تأیید کنند. از هشت عضو بیماران مرگ مغزی می‌توان برای پیوند استفاده کرد؛ حتی از نسوج آنها مانند استخوان، تاندون و عصب نیز می‌توان برای بیماران نیازمند استفاده کرد.

پیش‌بینی می‌شود که سالانه حدود پنج هزار مرگ مغزی در کشور اتفاق می‌افتد، اما از آنجا که فرهنگ‌سازی‌های لازم در کشور صورت نگرفته است، خانواده بسیاری از این افراد اجازه پیوند عضو را نمی‌دهند و به این ترتیب، شاهدیم از پنج هزار مورد مرگ مغزی، فقط ۹۰۰ مورد آنها برای پیوند عضو مورد استفاده قرار می‌گیرند. خانواده‌ها باید به این آگاهی برسند که با بهترین امکانات و انجام عالی‌ترین مراقبت‌ها فقط می‌توان بیمار مرگ مغزی را برای چند ساعت تا چند روز زنده نگه داشت، اما با اعلام موافقت خود برای پیوند عضو، می‌توانند جان تعداد زیادی از انسان‌های نیازمند دریافت و پیوند عضو را نجات دهند.

تجربه دیگران

پایان بازی تاج‌وتخت

اولین‌بار کسی – پسر دکتماکر – را کشت. البته او یکی از قهارترین آدم‌کشان این سریال است. ۳- سانسبا استارک فقط ۱۱ سال داشت که مجبور شد با جفری ۱۲ ساله ازدواج کند و البته کمی بعد او را مجبور کردند تا شاهد اعدام پدرش باشد. ۴- سانسبا استارک ۱۴ ساله بود که دچار خشونت جنسی یکی از افراد نزدیک (لینل فیلنکر) و ۱۶ ساله بود که مورد تجاوز رمزی بولتن قرار گرفت، البته او کمی بعد و پس از پیروزی، رمزی بولتن را در قفس سگ‌های درنده انداخت و شاهد تکه‌تکه‌شدن او بود.

۵- درنرس تنها ۱۳ سال داشت که مورد تجاوز برادرش قرار گرفت و مجبور به ازدواج با رینیس وحشی‌ها شد. ۶- جان اسنو ۱۷ ساله بود که فرمانده مراقبان دیوار شد.

۷- راب استارک فقط ۱۶ سال داشت که در «جشن عروسی خون» سلاخی شد. اینها فقط برخی از نکات خشونت‌بار و ضد حقوق کودک این سریال هستند.



بازی تاج‌وتخت (گات با کیم آف ترون) دیروز به پایان رسید؛ سریالی که در هشت فصل و ۷۳ قسمت و از ۲۰۱۱ تاکنون توانست میلیون‌ها بیننده را به خود جلب کند. سریالی که در این مدت علاقه‌مندانش را راضی کرده بود، اما در این فصل آخر و به‌خصوص در قسمت پنج به‌شدت مورد انتقاد مخاطبانش قرار گرفت، به‌گونه‌ای که عده‌ای - حدود ۲۰ هزار نفر- شروع به نوشتن نامه‌ای کردند تا بار دیگر این فصل ساخته شود. البته برخی دیگر هم معتقدند دیگر حوصله ندارند دو سال صبر کنند تا بار دیگر سریال ساخته شود و شاید بار هم نتواند رضایت نسبی آنان را جلب کند. سریال «بازی تاج‌وتخت» یکی از سریال‌های محبوبی است که علاقه‌مندان بسیاری در سراسر جهان دارد. علاقه‌مندی به این سریال که شکل افراطی می‌گیرد؛ مثلاً عنوانش شد حدود ۱۱ میلیون نفر در بخش‌های مختلف آمریکا مرخصی گرفته‌اند تا بتوانند شاهد قسمت آخر و پایان سریال پس از هشت سال باشند. این سریال در مکان‌هایی که ساخته شده نظیر ایرلند و کرواسی سبب افزایش گردشگری شده است. اما همه علاقه‌مندانش بر برخی از واقعیت‌های



میرجلال الدین کزازی

به این پرسش پاسخ می‌توان داد می‌توان داد زیرا پرسشی است که لایه‌هایی چند در آن نهفته است، بسته به اینکه بر کدامین لایه بنیاد کنیم و آن را زمینه و خاستگاه پاسخ بدانیم، پاسخی دیگرگون بدان می‌توان داد. من می‌گویم که تنها به یک پاسخ بسنده کنم که شاید پاسخی باشد بنیادین و ساختاری و گوه‌رین (ذاتی) به این پرسش. آن پاسخ این است که سروده‌های خیام از دید ساختار اندیشه‌ای و پیام‌شناختی، سروده‌هایی‌اند که بیشتر، نیرانیان (غیرایرانیان) می‌توانند با آنها پیوند بگیرند؛ به سخنی دیگر خیام در چارانه‌های (رباعیات) خویش، به همان سان در چارانه‌هایی که من آنها را چارانه‌های خیامی می‌نامم -چارانه‌هایی که بی‌گمان نمی‌توانیم آنها را از خیام بدانیم؛ اما به شیوه‌ی چارانه‌های خیام سروده شده‌اند- اندیشه‌ها و دیدگاه‌هایی را فرایش دوستاران سخن می‌نهد که به‌راستی دیدگاه‌ها و اندیشه‌هایی است که در جغرافیا نمی‌گنجد. درست است که این دیدگاه‌ها و اندیشه‌ها ایرانی است؛ اما زرفا و گسترشی در آنها هست که مرزهای جغرافیایی را در هم می‌شکند. اگر بخواهم روشن‌تر و رساتر دراین‌باره سخن بگویم، می‌توانم گفت که هم در چارانه‌هایی